

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ جولای ۲۰۲۰

## جدائی "جمعیت اسلامی" و "شورای نظار" رسمیت یافت!

۵

چهارشنبه - ۱۸ سرطان ۱۳۹۹ - کابل:

۴- و اما کارهایی که "صلاح الدین ربانی" انجام داد و به نظر من هریک از آنها قدمی بود جهت تدفین "جمعیت اسلامی" و پارچه پارچه ساختن آن، اینها اند:

\* - در نخستین گام خواست تا یکشنبه پدرش شود، یعنی تمام مسؤولیت ها و صلاحیت هائی را که پدرش دارا بود، همه را به یکباره به خود اختصاص دهد. با همین تصمیم بود که هم "رهبری" جمعیت اسلامی را پذیرفت و هم "ریاست بر شورای عالی صلح" را. وی در این تصمیم گیری نه تفاوت بین کاریزما و اتوریتة پدرش را در مقایسه با خودش در نظر گرفت و نه هم ناتوانی پدرش را در اجرای هر دو امر.

در حالی که اگر اندکی منطق می داشت و چشمش را دالر های خوابیده در دفاتر "شورای عالی صلح" کور نمی کرد، وقتی سرپرستی موقت و یا رهبری "جمعیت اسلامی" را که نه تنها بزرگترین تشکل سیاسی در آن زمان بود، عملاً در کنار جواسیس تکنوکرات، دولت دست نشانده را نیز توسط اعضایش رهبری و حتا قسماً گردانندگی می کرد، به عهده گرفته بود، نمی بایست اجرای آن وظیفه را بی اهمیت تلقی نموده، خود را به کار دیگری مصروف می ساخت. بلکه به مثابه یک سازمانده جدید حزبی، تلاش می ورزید تا کوه مشکلات حزبی بر جای مانده از پدرش را حل نماید.

\* - آن خطای "صلاح الدین ربانی" کم بود که با به وجود آمدن حکومت دو سره خیانت ملی، وزارت خارجه را نیز به علاوه سرپرستی "جمعیت اسلامی" متقبل شد. با قبولی وزارت خارجه چند خطای آشکار را مرتکب گردید:

- از آن جایی که در حکومت خیانت ملی، مقام حکومتی "عبدالله عبدالمود" بالاتر از وی بود، حتا در همان عرف و فرهنگ حکومت مشترک اصل رهبری حزب در بالا ترین مقام حکومتی قرار داشتن را زیر پای نمود. یعنی در عین حالی که رهبری و سرپرستی "جمعیت اسلامی" را بر دوش داشت، ناگزیر می بایست در چوکات اداری تابع دساتیر "عبدالمود" نیز می بود.

- اشتغالات وزارت خارجه، مطلقاً کار حزبی را از برنامه های کاری وی حذف نمود. در نتیجه در داخل حزب کشمکش نهفته جهت تثبیت قدرت که از زمان پدرش به ارث مانده بود، حدت بیشتری یافته، فرکسیونهای متعدد با موضعگیری های متعدد در قبایل قضاایا عرض اندام نمود.

- در گزینش های وزارت خارجه به خصوص نمایندگی های آن در خارج از افغانستان، مطلقاً مطابق به خواست "باند زمره فروشان پنجشیر" عمل نموده، در نتیجه نه تنها آن عده از کادرهای "جمعیت اسلامی" را که نمی خواستند به ساز "باند زمره فروشان پنجشیر" برقصند از خود نا امید ساخت و آنها را وادار ساخت تا کس و یا کسان دیگری در داخل و یا خارج از "جمعیت اسلامی" جست و جو نمایند، بلکه عملاً از طریق انتقال صلاحیت های بیروکراتیک به "عبدالمود" و "باند زمره فروشان پنجشیر"، قدرت حزبی را نیز بدانها انتقال داد.

\* - خطای دیگر "صلاح الدین ربانی" چسبیدن به کرسی و وزارت خارجه بود. وی علی رغم این که به چشم دید که چگونه تعدادی از وابستگان "باند زمره فروشان پنجشیر" در کنار باند جواسیس تکنوکرات وابسته به "غنی احمدزی" قرار گرفتند و ضمن استیضاح وی را از مقامش در وزارت خارجه بیرون انداختند با یک نوع خیره سری و لجاجت احمقانه، کارش را در آن وزارت آنهم در فقدان صلاحیت و مشروعیت انتخاباتی مبتنی بر قانون اساسی دولت دست نشانده ادامه دهد. در واقع با گذشت هر روز از کارش، هم خود را به مثابه فرد تحقیر می نمود و هم "جمعیت اسلامی" را به مثابه یک تشکل.

\* - حین برگزاری بالماسکه انتخابات، عملاً نشان داد که عدم صلاحیت وی، مانع از آن شد تا "جمعیت اسلامی" به مثابه یک تشکل واحد در قبال قضایای انتخاباتی موضع واحدی اتخاذ نماید. یعنی در حالی که "امر الله صالح" با گذشته جمعیتی اش، در کنار "غنی احمدزی" فرار گرفته بود و "یونس قانونی" با جذب "عطا نور" به نفع خودش، خود را در نقش معاون "حنیف اتمر" پیروز میدان احساس می نمود، "احمدولی مسعود"، خود را مستقلاً کاندید نموده بود، "صلاح الدین ربانی" به مثابه انگشت ششم "عبدالمود" وارد میدان شده، از موضع سرپرست "جمعیت اسلامی" بر مواضع مختلف و تفرقه درونی حزبی، خود را کور نشان داد.

\* - با ختم انتخابات و در نهایت همان طوری که انتظار می رفت سازش "عبدالمود"، به یک باره "صلاح الدین ربانی" به این فکر افتاد که وی سرپرست و رهبر تشکلی به نام "جمعیت اسلامی" است و کس دیگری حق ندارد به نام "جمعیت اسلامی" اعلامیه صادر نماید و یا موضعگیری نماید. همزمان با آن برای اولین بار در تاریخ ۲۰ سال اخیر سؤال شرکت در قدرت را مطرح نموده، از اعضای و افراد "جمعیت اسلامی" خواست تا اولاً از همکاری با حاکمیت مشارکتی "غنی احمدزی - عبدالمود" خود داری نمایند در غیر آن بپذیرند که موضعگیری آنها موضعگیری شخصی و فردی بوده به "جمعیت اسلامی" ارتباط ندارد.

به عبارت رسا تر از تمام جمعیتی هائی که طی سالیان طولانی با فروش آبرو، وجدان، شرافت و حتا ناموس سیاسی و فردی شان به مقامی دست یافته بودند، وکیل شده بودند، منتظر الوزاره بودند، به نمایندگی خارجی مقرر شده بودند، خواست تا به خاطر گل روی وی، از همکاری با دولت دست نشانده خودداری نمایند.

\*- در چنین حالتیست که از جمع ۶۷ تن از اعضای شورای عالی "جمعیت اسلامی" به مثابه بالاترین ارگه اجرائی "جمعیت اسلامی" ۴۷ تن از آنها رأی به اخراج وی از رهبری جمعیت داده فرد دیگری را به جایش انتخاب نمودند.

دلیل این شکست افتتاح آمیز "صلاح الدین ربانی" به گفته مردم ما، "برداشتن بیل به دنبال آب رفته" است. در حالی که نامبرده تمام چانس هائی را که می توانست رهبری وی را تثبیت نماید از دست داده بود و خودش آگاهانه آخرین سنگر های "جمعیت اسلامی" چون "عطانور" را به دست خود ویران و به "شورای نظار" سپرده بود، انتظار داشت بقیه اعضای تشکل که همه و بدون استثناء در پی تأمین منافع فردی و گروهی خود هستند، به دنبال وی حرکت نمایند. خواستی که از چنین تشکلی هیچ گونه مبنای منطقی ندارد.

و اما این که آینده جمعیت اسلامی به کجا خواهد کشید، در آخرین قسمت این نوشته بدان پرداخته خواهد شد.